

کتابخانه

۲۱۰۹۲۵۳

ہزار چشم

نثر، یادگار نگاری آستان قدس

پیش گوئی

انتشارات باورین

سرشناسه: عنایتی آهنگر، پریخ / ۱۳۳۹

عنوان و نام پدیدآور: هزار چشمه (خاطره - یادگارنگاری آهنگر کلا قدیم) / پریخ عنایتی آهنگر

مشخصات نشر: ساری: هاوژین، ۱۳۹۹ مشخصات ظاهری: ۲۰۶ ص

شابک: ۱ - ۱۳ - ۹۹۹۱ - ۶۲۲ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

عنوان دیگر: خاطره - یادگارنگاری آهنگر کلا قدیم

موضوع: آهنگر کلا بزرگ ((Ahangar Kala bozorg (Iran) -

عنایتی آهنگر، پریخ، - خاطرات

رده‌بندی کنگره: DSR۲۰۷۱

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۲۲۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۲۵۸۷۱

اشارات هاوژین

هزار چشمه

خاطره - یادگارنگاری آهنگر کلا قدیم

پریخ عنایتی آهنگر

چاپ نخست - ۳۹۹

طراح جلد: صغری ابراهیمی

صفحه‌آرا: سمیرا سادات خاتمی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

مازندران - ساری. تلفن: ۰۱۱-۳۳۳۶۱۲۳۹

Email: havzhin.publish@yahoo.com

فہرست

۹	» بیاجہ
۱۱	» آنگرکلا
۱۴	» چاکہ
۱۸	» پیرامون سہرور
۲۰	» اوڈنگ
۲۳	» چشمہ چاچوک
۲۴	» او سرہ کتی
۲۶	» لپر
۲۹	» کونہ سجرو
۳۱	» اونجہ سنگینہ» (۱)
۳۲	» اونجہ سنگینہ» (۲)
۳۳	» فقیر
۳۵	» لمپا» (۱)
۳۷	» لمپا» (۲)
۳۸	» لمپا» (۳)
۳۹	» زمان

- ۴۰ «میچکا سو» (۱)
- ۴۲ «میچکا سو» (۲)
- ۴۳ «لیسک اشکار»
- ۴۴ «او» (۱)
- ۴۵ «او» (۲)
- ۴۷ «او - چلو» (۱)
- ۴۹ «او - چلو» (۲)
- ۵۰ «چلو»
- ۵۲ «-رم در»
- ۵۳ «کار نه» (۱)
- ۵۶ «کارخنه» (۲)
- ۵۷ «باجی گل» (۱)
- ۵۹ «باجی گل» (۲)
- ۶۱ «حمبوم» (۱)
- ۶۲ «چرا از آهنگر کلا می نویسم»
- ۶۴ «حمبوم» (۲)
- ۶۷ «خورشید»
- ۷۰ «حمبوم» (۳)
- ۷۳ «حمبوم» (۴)
- ۷۶ «حمبوم» (۵)
- ۷۹ «اعتماد متقابل»
- ۸۰ «راستی پدرم که بود؟»
- ۸۲ «انگری»

- ۸۴ «مدرسه» (۱)
- ۸۵ «مدرسه» (۲)
- ۸۷ «مدرسه» (۳)
- ۸۸ «مدرسه» (۴)
- ۹۱ «کا» (۱)
- ۹۲ «نخوز کا»
- ۹۲ ۱۔ کھی کا
- ۹۲ ۱۔ چال دم کا
- ۹۳ ۳۔ ریکٹی کا
- ۹۴ ۴۔ «آغوز دی» مہلی
- ۹۴ «کا» (۲)
- ۹۴ «میر کا کا»
- ۹۵ «سنگ ورہ کا»
- ۹۷ «کا» (۳)
- ۹۸ «اسپیجہ کا»
- ۱۰۱ «کا» (۴)
- ۱۰۱ «چلیک کتہ کا»
- ۱۰۱ «شا وزیر کا»
- ۱۰۲ «ورہ ورہ دارمبی»
- ۱۰۱ «اتوبوس» (۱)
- ۱۰۷ مرزناک نگاری (۱)
- ۱۰۹ مرزناک نگاری (۲)
- ۱۰۹ «گنج»

۱۱۱	«اتویوس» (۲)
۱۱۴	مرزناک نگاری (۳)
۱۱۵	«جغرافیای آهنگرکلا قدیم» (۱)
۱۱۸	«جغرافیای آهنگرکلا قدیم» (۲)
۱۲۲	مرزناک نگاری (۴)
۱۲۳	«جغرافیای آهنگرکلا قدیم» (۳)
۱۲۶	«نام‌های قدیمی»
۱۲۹	«خرده خراک»
۱۳۰	داهای کریمان
۱۳۰	«انار»
۱۳۱	«ترشه و نگو خرش»
۱۳۱	«وینگوم کباب»
۱۳۱	«کچلیک هوریش»
۱۳۲	«هلی خرش»
۱۳۲	«اغوز با بچا پلا»
۱۳۲	«داغ بکرده راغون»
۱۳۲	«کله بزه سیب زمینی»
۱۳۳	«کله بزه به»
۱۳۳	«کیی پلا مغنه نیمرو»
۱۳۳	«سیر با بچا پلا»
۱۳۳	«دواش با سیر داغ زیاد»
۱۳۳	«ترش آش»
۱۳۳	«آغوز خرش»

- ۱۳۳ «مَغْنَه زَرْدی»
- ۱۳۳ «لاغلی قتلْمه» یا «لاغلی نون»
- ۱۳۳ «لوه نون»
- ۱۳۳ «تندیره نون»
- ۱۳۴ «دو پِلا»
- ۱۳۴ «ککر»
- ۱۳۴ «حنه بَمرو»
- ۱۳۴ «وینگوم ماسر»
- ۱۳۴ «گر ماسی»
- ۱۳۴ «لاغلی بَسوس»
- ۱۳۴ «شیر پِلا»
- ۱۳۴ «شیر آش»
- ۱۳۴ «شیر لَوَه»
- ۱۳۵ «پیش بَمونس»
- ۱۳۵ «خِباط» (۱)
- ۱۳۷ «مس قلی کر»
- ۱۳۹ «عمبه زیور»
- ۱۴ «تقدیر»
- ۱۴ «سیما»
- ۱۴ «چکمه داغی»
- ۱۴۱ «عزْمی درونی»
- ۱۴۲ «طبیعت یخس شمال غربی»
- ۱۴۶ «کرک خَرین، مَغْنَه خَرین»

- ۱۴۹ «طبیعت بکر» (۱)
- ۱۵۱ «طبیعت بکر» (۲)
- ۱۵۳ «پلنگ رفت»
- ۱۵۴ «مراسم‌های مذهبی»
- ۱۵۷ «کچال»
- ۱۵۸ «نغون هکردن»
- ۱۵۹ «برق»
- ۱۶۰ «کر زنی»
- ۱۶۲ «نایسان»
- ۱۶۳ «نلد»
- ۱۶۵ «روح پی‌ئی»
- ۱۶۹ «وولی دار»
- ۱۶۹ «گندیما»
- ۱۷۰ «سکه واش»
- ۱۷۱ «کلا جینگ جینگ»
- ۱۷۲ «آنجیل دار»
- ۱۹۲ «پیوست»

دست‌چهارم

«چرا از آهنگر کلا می‌نویسم»

اراده نوشتن در مورد «آهنگر کلا» از «من» درونم می‌آید، من درونم در مادی‌ترین جغرافیا و فرهنگ‌های دیرینه، پرورده شده، آهنگر کلا است. من و تو همدیارم در همهی ویژه‌گی‌هایی که اختصاص به آهنگر کلا دارد تأثیر پذیرفته ایم از بازی‌هایش، از دیدار سجرویش چشم‌انداز پمبه‌جاری، چشمه مقدس «چاپ‌چوک» و آقا دار «درویش مولانا» از بران‌های زیبایش، خشکسالی‌اش، جاده‌ی گاه پیچ در پیچش، آسمان پر ستاره کودکان خیمه‌ها، دیدن چشم‌انداز شالیزارش در بالای آبندها، برف‌های سنگینش، پرتقال‌هایش، از نشستن در پیرامون کله‌ای که سال‌ها پشتیبان آرامش ما بود، از سنت‌های می‌آید که کودک را وامی‌داشت یک قرک ماست تازه برای همسایه ببرد و با «سه‌پر» تیشه و ینگومی که همان لحظه از باغچه چیده می‌شد برگردد، از بستنی که کودکان دهه شصت با دادن انبوهی از «پتقال بهاره» با دستانی مشتاق از «انگری»

می گرفتند و هنوز که زنان و مردان میانسالی شده‌اند آن مزه بستنی‌های تکرار نشدنی و آنتیک انگری را از یاد نمی‌برند...

۲۹ آذر ۱۳۹۸

مه مار آنگر کلایی نیبه اما انا چی ره که خواسته خله بها هده، گته وه انا «آنگر کلا»ی ارزنه.^۱

۳۱ مرداد ۹۸

پریخ عنایتی آهنگر

۱. مادرم اهل آهنگر کلا بود اما هر وقت می‌خواست نشان دهد که چیزی برایش بسیار با ارزش است می‌گفت: «این به آهنگر کلا می‌آورد.»